میزانسن

خاطره بازی با تئاتر

در تعطیلی کرونایی تئاتر، پردیس تئاتر شهرزاد قصد دارد برای حفظ ارتباط خود با مخاطبان، نمایش‌هایی را به‌صورت آنلاین و رایگان، ارائه دهد و در کنار آن، برنامه‌ای هم برای خاطره بازی تماشاگران در این تئاتر تدارک دیده است با توجه به این نکته که تئاتر، وابسته‌ترین هنر به مخاطب است. طبق یک تعریف ساده، رخداد تئاتری بدون توانایی جذب مخاطب، به گفتمانی درون متنی محدود می‌شود و توسعه اجتماعی که ویژگی هنر تئاتر است اتفاق نمی‌افتد. با این حال روابط عمومی این تماشاخانه درباره نحوه اجرای این برنامه اعلام کرده که با شیوع ویروس کرونا همه مجموعه‌های فرهنگی و هنری با دستور وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همراهی هنرمندان تعطیل شد. سالن‌های تئاتر هم با شروع قرنطینه خانگی دست از کار کشیدند و تا اطلاع ثانوی تعطیل هستند. اما این تعطیلی‌های ضروری، نباید باعث شود که تماشاگرن تئاتر ارتباطشان با سالن‌های تئاتر قطع شود.پردیس تئاتر شهرزاد در رویکردی جدید بنا دارد با اجرای نمایش آنلاین رایگان از طریق اینستاگرام و چالش خاطره بازی با تئاتر، این ارتباط را محکم نگه دارد. در این چالش جدید قرار است مخاطبان از دلتنگی برای تئاتر و خاطره‌هایشان از سالن‌های تئاتر بگویند. چالش تئاتر شهرزاد برای تماشاگران تئاتر این‌طور طراحی شده است: سالن تئاتر برای هر کسی یه مفهومی داره. هر کدوم از ما با قدم گذاشتن تو سالن، یاد یه لحظه از نمایش یا یه کسی می‌افتیم. چی شما رو به یاد تئاتر شهرزاد می‌اندازه؟ کدوم عکسی که ثبت کردین براتون پر از خاطره است در این مجموعه؟ در این روزهای کرونایی از خاطرات تئاتری پیش از کرونا بگویید. بگویید چقدر دلتان برای تئاتر تنگ شده است. برای شرکت در خاطره بازی تئاتر شهرزاد، از شما دعوت می‌کنیم که با آپلود عکس و کپشن (متن) از خاطره‌ها و تجربه‌های شیرین تماشای تئاتر بگویید.»علاقه‌مندان تا پایان اردیبهشت فرصت دارند فرصت دارند در این چالش شرکت کنند.

گزارش «ایران» از اما و اگرهای تبدیل محل زندگی «م.ا. به آذین» به خانه- موزه

خانه‌ای که دیگر پلاک هم ندارد

مریم شهبازی
خبرنگار

پلاک چهل، ساختمانی یک طبقه دریکی از محله‌های قدیمی غرب تهران. ساده‌تر از چیزی است که انتظار داشتم، سادگی‌اش یادآور خانه سیمین و جلال است؛ به همان دل‌نشینی و با مبلمانی به سبک آن سال‌ها، بدون رد پایی از توجه صاحب‌خانه به زندگی آن‌چنانی. حالا قرار است اگر مسئولان قدری دست بجنبانند، اینجا هم‌خانه- موزه شود؛ خانه‌ای که برای ۳۹ سال میزبانی یکی از چهره‌های شاخص ادبیاتمان را به عهده داشته، محمود اعتمادزاده یا بهتر است به احترام شهرتی که برگزیده بوده بگوییم: «م.ا.به‌آذین». از همان بدو ورود، اتاق استاد خودنمایی می‌کند؛ مقابل در ورودی، سمت چپ اتاقی است که بیش‌تر از هشت ساعت شبانه‌روز «به آذین» آنجا سپری می‌شده. اتاق کوچکی است، شاید نهایت ۹ متر. اما سه طرف پوشیده از قفسه‌های کتابخانه است. خبری از میزتحریر نیست؛ تخته‌ای تقریباً یک متری به کمک یکی از کتابخانه‌ها نقش میز مطالعه را ایفا می‌کند. جست‌وجوی مختصری درباره زندگی «به آذین» کافی است تا بدانید چرا اثری از زندگی آنچنانی در خانه‌اش دیده نمی‌شود، آن‌هم در شرایطی که زندگی حرفه‌ای او تنها به کتاب محدود نمی‌شده و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم بخش جدی روزگاری به‌شمار می‌آمده که سپری کرد. بااین‌حال به‌همان اندازه‌ای که به‌دوراز هیاهو و جنجال‌های رایج دست به ترجمه و تألیف آثارش می‌زد، اهل زد و بند و استفاده از شرایطی که سبب زندگی بهتری شود هم نبود، بگذریم. بازگردیم به اتاق «به آذین». اولین چیزی که حتی قبل از قفسه‌های کتابخانه توجه بیننده را جلب می‌کند تراکتی است تبلیغاتی که روی تخت افتاده. منقش به تصویر سیاه‌وسفیدی از اوست، تصویر آشنایی است با لبخندی جدی. زیر آن‌هم چند سطری نوشته‌شده: «محمود اعتمادزاده (به‌آذین) کاندیدای اتحاد دموکراتیک مردم ایران برای مجلس بررسی قانون اساسی از استان گیلان» که البته هیچ‌گاه به این مجلس راه نمی‌یابد. به آذین از آن دست افرادی است که زندگی روی چندان خوشی به او نشان نداد و اغلب اسیر گرفت و گیر آن‌هایی بود که تفکراتش به مذاقشان خوش نمی‌آمد. نمونه‌اش هم آن زندانی شدن‌های پیش از انقلاب و حتی گرفتاری‌های سال‌های بعد بود که ردپایی از آن در این اتاق هم دیده می‌شود. از ماشین تحریری می‌گویم که درست پایین تخت، روی میز کوچکی جا خوش کرده و مقابلش هم صندلی پاتختی کوچکی قرارگرفته است. پیش از انقلاب جای این ماشین‌تحریر، ماشین‌تحریر دیگری بوده که وقتی برای دستگیری او می‌روند آن را هم می‌برند و از همان وقت جایگزینش ماشین‌تحریر فعلی می‌شود که طی نزدیک به چهل سال همراه جدی به آذین بوده، هم برای تألیف نوشته‌ها و هم بیانیه‌ها. هرچند که به‌اجبار شرایطی که بدعهدی نیروهای متفقین رقم می‌زند تنها با دست راستش قادر به تایپ بوده. درباره زندگی‌اش که خوانده باشید می‌دانید در دوره پهلوی اول به همراه دیگر بورسیه‌ها برای تحصیل عازم فرانسه می‌شود، بعد از فراگیری زبان فرانسه و دریافت مدرک از دو دانشکده مهندسی دریایی «برست» و دانشکده مهندسی ساختمان دریایی پاریس به کشور بازمی‌گردد و با درجه سروان مهندس نیروی دریایی در خرمشهر مشغول فعالیت می‌شود؛ کمی بعد به نیروی دریایی بندر انزلی منتقل می‌شود و ریاست تعمیرگاه آن را به عهده‌اش می‌گذارند. شهریور سال ۱۳۲۰ در بحبوحه جنگ جهانی دوم، ایران از سوی شوروی سابق در شمال و بریتانیایی‌ها در جنوب، موردحمله قرار می‌گیرد واین درحالی است که کشورمان اعلام بی‌طرفی کرده بوده، دریکی از همین بمباران‌ها به آذین دست چپ خود را درحالی‌که بیست‌وهفت سال بیشتر نداشته از دست می‌دهد. او که از سال‌های دبیرستان شیفته ادبیات بوده استعفا می‌دهد و به فعالیت‌های فرهنگی و تدریس روی می‌آورد. از کار در کتابخانه ملی و حتی معاونت فرهنگ گیلان در دوره وزارت فریدون کشاورز که بگذریم، این اتاق میزبانی بخش عمده‌ای از زندگی حرفه‌ای ادبی «به آذین» را به عهده داشته است. سمت چپ، گوشه اتاق صندلی ویلچری دیده می‌شود که سال‌های آخر همراهی‌اش کرده، دریکی- دو سال آخر عمر شرایط جسمانی خوبی نداشته، هنوز هم ردپایی از وسایل درمانی، کنار تختخواب دیده می‌شود. اما روبه‌روی تختخواب یک صندلی لهستانی است؛ صندلی قهوه‌ای‌رنگی که هنوز هم‌بارانی کرم‌رنگ و کراوات استاد بر آن افتاده و البته جلیقه‌ای که کمی عقب تراست؛ گویی که قرار است برخیزد و آنها را بپوشد. روی تخته‌ای که حکم میزتحریر دارد رد دست استاد مانده، شاید بهتر است بگویم آن‌قدر طی چهاردهه نوشتن و مطالعه، دستش به این تخته چوبی کشیده شده که رنگ بخشی از آن رفته. اغلب کتاب‌های کتابخانه از ترجمه‌های او هستند. از ترجمه «دُن آرام» گرفته تا «باباگوریو» و «جانِ شیفته». ترجمه‌های سال‌های پایانی زندگی اش هم دیده می‌شوند، مثل «فاست» که همان اواسط دهه هشتاد در شرایطی به سراغش می‌رود که کمتر کسی جرأت ترجمه‌اش را داشته. با این حال کتاب‌هایی از دیگر نویسندگان ایران و جهان هم در این قفسه دیده می‌شوند. از اتاق که خارج شویم، راهروی باریکی بیننده را به حیاط خانه راهنمایی می‌کند که آنجا هم باز قفسه کتابخانه‌ای خودنمایی می‌کند. دیواری تقریباً شیشه‌ای، فضای اتاق نشیمن و پذیرایی را جدا کرده، حال و هوای ساده اتاق بر اینجا هم حاکم است؛ البته به غیر پیانو و دستگاه گرامی که بخشی از وسایل پذیرایی را تشکیل می‌دهند. ناگفته پیداست که اهمیت خانه‌هایی از این دست نه فقط به وسائل آنها، که به افرادی است که در آنها زیسته و در بخشی از فرهنگ کشورمان سهیم بوده‌اند. بزرگانی همچون به آذین که افزون بر تألیف داستان‌هایی اجتماعی، برگرفته از اوضاع و احوال زمانه‌ای که در آن زیسته، در معرفی آثار شاخص ادبی جهان هم نقشی جدی ایفا کرده که از جمله‌اش می‌توان به معرفی «رومن رولان» به مخاطبان ایرانی اشاره کرد. حتی «میخائیل شولوخف»، نویسنده روس هم به همت او به کتابفروشی‌های کشورمان راه یافته و اغراق نیست اگر بگوییم ترجمه‌های او از آثار «انوره دو بالزاک» هم تأثیر زیادی در آشنایی مخاطبان با نوشته‌های این نویسنده نامدار فرانسوی داشته‌اند. با این اوصاف حالا باید ببینیم نهادهای مسئول، از شهرداری منطقه صادقیه گرفته تا شهرداری تهران و شورای شهر و حتی سازمان میراث فرهنگی برای تبدیل این ساختمان و وسایلش به خانه- موزه چه خواهند کرد، آن هم در شرایطی که حکم تخلیه برای هفته جاری و حتی اجازه تخریب ساختمان صادر شده؛ خانه‌ای که روزی محل رفت و آمد بزرگانی همچون هوشنگ ابتهاج، سیاوش کسرایی، جلال آل احمد، بهرام بیضایی و نادر نادرپور بوده، اما حالا حتی پلاک هم ندارد.

عکس: مصطفی وهابی

نمایی از خانه م. ا. به آذین

بادداشت

آن ذره که در حساب ناید، ماییم

پرویز شهدی
مترجم ادبیات فرانسه

«باباگوریو» نخستین ترجمه‌ای است که به‌همت «به آذین» در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت و آشنایی‌ام با ترجمه‌های او به همان زمان بازمی‌گردد. ماجرا به بیشتر از نیم‌قرن قبل بازمی‌گردد؛ هنوز دانش‌آموز دبیرستانی بودم و به خاطر دارم که چقدر شیفته این کتاب شدم؛ در انتخاب‌هایش سلیقه‌ای بسیار خوب و قلم فوق‌العاده داشت، آن‌چنان‌که پیگیر آثارش شدم و تقریباً همه کتاب‌های او را خوانده‌ام.به‌غیراز «باباگوریو»، چهارکتاب مهم دیگر هم از بالزاک ترجمه کرد، «زن سی‌ساله»، «زنبق دره»، «چرم ساغری» و «دخترعمو بت» تا اینکه بعدها به سراغ ترجمه «ژان کریستف»، «جان شیفته» و«سفر درونی»، شاهکارهای رومن رولان رفت و برای نخستین مرتبه او را به مخاطبان ایرانی معرفی کرد. داستان‌های او هم برخوردار از اندوخته عظیم مطالعاتی‌اش بودند و از سویی تحت تأثیر شرایطی که تجربه کرده بوده، حتی «میهمان آن آقایان» را درنتیجه دوران زندانی شدن نوشته بود.«به آذین» ازجمله مترجمان و نویسندگانی است که تأثیر بسیاری بر هم‌دوره‌ای‌های خود و نسل‌های بعد به‌جای گذاشته، هم به جهت ترجمه‌های ارزشمندی که در اختیار علاقه‌مندان قرارداد و هم‌داستان‌هایی که باحال و هوای رئالیسم اجتماعی و برگرفته از تجربه‌های زیستی روزگارش نوشت. بااین‌حال زندگی راحتی نداشت و چندین مرتبه بابت تفکرات چپ‌گرایانه‌اش گرفتار شد. شاید جالب باشد بدانید علاقه‌مندی من از دوران نوجوانی تا همین امروز به آثار «به آذین» آن‌قدر زیاد است که نام یکی از دخترهایم را «به آذین» گذاشتم، هم اینکه اسم زیبایی است و هم به کارهایی که عرضه کرده توجه بسیاری داشتم. هرچند که «به آذین» هم مانند من ازجمله افراد منزوی و گوشه‌گیری بود که چندان اهل محفل ها و دورهم جمع شدن‌های ادبی نبود. نزدیک چهارده سال از درگذشت او می‌گذرد و گویا برای تبدیل محل سکونت «به آذین» به خانه- موزه مشکلاتی وجود دارد. مسائلی که در ایران برای حفظ خانه و وسایل شخصی افرادی ازاین‌دست دیده می‌شود در کشورهای دیگر نیست. آن‌چنان‌که به‌عنوان‌مثال خانه چهره‌های مشهور ادبی- فرهنگی در فرانسه از سوی دولت خریداری‌شده و حتی قلم و عینک آنها هم به بهترین شکل حفظ شده، جزو ثروت ملی به‌شمار آمده و در معرض دید علاقه‌مندان قرار می‌گیرند. متأسفانه شرایط کشور ما به‌گونه‌ای است که شاهد کمترین اقدامات در این زمینه هستیم و به قولی: «آن ذره که در حساب ناید، ماییم». امیدوارم برای حفظ خانه «به آذین» تلاش شود و مسئولان فرهنگی شرمنده نسل‌های آینده نشوند.

بادداشت

تا دیر نشده کاری کنید

کاوه اعتمادزاده
پسر زنده‌یاد «به‌آذین»

«به آذین» از آن دست نویسندگان و مترجمانی است که به‌واسطه بیش از نیم‌قرن فعالیت فرهنگی و حتی اجتماعی- سیاسی نیاز چندانی به معرفی ندارد؛ بااین‌حال برای تبدیل خانه به یادگار مانده از او به خانه-موزه با مشکلاتی روبه‌رو شده‌ایم هرچند که هم شورای شهر و هم سازمان میراث فرهنگی موافقت خود را برای همراهی در این راه اعلام کرده‌اند. بحث ثبت ملی خانه به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی کشورمان هم در حال انجام است؛ بااین‌حال بخشی از مالکیت خانه در اختیار دو سازنده ملک قرارگرفته که سهمی ۶۰ درصدی دارند و درصدد تخریب خانه برآمده‌اند. البته آن ۴۰ درصد دیگر به من تعلق دارد که به‌هیچ‌وجه به‌دنبال فروش آن نیستم و خواسته‌ام کمک جدی مسئولان و آن‌هایی که کاری از عهده‌شان ساخته در جهت تبدیل این محل به خانه-موزه و حتی راه‌اندازی بنیادی برای فعالیت‌های فرهنگی است. یکی از دو شریک مذکور موفق به دریافت حکم خلع ید شده، او حتی اجازه تخلیه این خانه برای هفته جاری را هم گرفته و همین‌طور حکم فروش و به مزایده گذاشتن خانه را. این در شرایطی است که از سال ۱۳۸۵ که زنده‌یاد«به آذین» از دنیا رفت من تلاش کرده‌ام حتی تغییری در شکل و شمایل خانه و وسایل آن ایجاد نشود. سه ورثه دیگر به دلایل مالی ناچار به فروش سهم خود شدند و حالا این دو شریک هم درصدد از میان بردن یادگار «به آذین» برآمده‌اند. نه به‌عنوان پسر «به آذین»، بلکه به‌عنوان یکی از فرهنگ دوستان کشورمان از شهرداری تهران می‌خواهم زودتر کاری در جهت توقف حکم تخریب این خانه انجام بدهد. بااینکه اعضای شورای شهر قول همکاری داده‌اند و حتی سازمان میراث فرهنگی هم درصدد ثبت ملی اینجا برآمده اما ای‌کاش تا دیر نشده به روند کارها سرعت بیشتری بدهند چراکه فرصت هیچ تعللی نیست؛ کمی توقف کافی است تا حکم تخریب آن عملی شود. این خانه از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۸۵ محل زندگی «به آذین» بوده و بخش عمده‌ای از آثار او همین‌جا نوشته و ترجمه شده‌اند. این وظیفه فرهنگی تک‌تک ما ایرانیان است که برای حفظ داشته‌های فرهنگی‌مان بکوشیم. در همه دنیا حفظ حتی وسایل به‌جای مانده از نویسندگان و مترجمان مهم از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ این حق اهالی فرهنگ و حتی نسل‌های آینده است که از هر راهی برای آشنایی با میراث به‌جای مانده برای آنان برخوردار باشند.

فیگور

نقاش مرموز در قرنطینه چگونه کار می‌کند؟

دنیا پاپایی
خبرنگار

ایام قرنطینه هنرمندان ناشناس زیادی وارد بازار هنری شدند و هر کس به نحوی استعداد خود را به نمایش گذاشت. در این میان بنکسی نقاش ناشناس و البته مرموز انگلیسی هم بیکار نشست و در این مدت به تولید آثار پرداخت. بنکسی اسم مستعار اوست و آثار سیاسی و اجتماعی بنکسی بر کف خیابان‌ها، دیوارها و پل‌های کشور انگلستان به چشم می‌خورد. با اینکه او نقاشی‌های خود را به‌صورت مستقیم به فروش نرسانده، اما شهرت و اعتبار جهانی برای خود کسب کرده است. آثار او در حراجی‌ها به فروش می‌رود. عده‌ای با مشاهده نقاشی‌های بنکسی متوجه شباهت آن با کارهای بلک له رت که عده‌ای او را پدر استنسیل گرافیتی می‌داند شدند، ولی او این موضوع را انکار کرد و بیشتر سبک خود را نزدیک به سه بعدی دانست وچنین پاسخ داد:بلک له رت، بلد است که چطور نقاشی بکشد اما من فقط از سه بعدی کپی می‌کنم.»

آثار او همواره در صدر خبر قرار می‌گیرد و خصوصاً که کارهای او گرایش‌های اعتراضی و سیاسی دارد. سایت theartstory در مورد بنکسی نوشته است که او پیام آور صلح است و این پیام را به شیوه خود به مخاطب می‌رساند، مانند جایگزین کردن یک دسته گل به جای اسلحه. او در جریان

قرنطینه خانگی هم بیکار ننشست. بنکسی در قرنطینه آثار هنریش را که روی دیوار خانه خود کشید، از طریق اینستاگرام به نمایش گذاشت. این نقاشی که در حمام خانه بنکسی به تصویر کشیده شده بود، نقاشی تعدادی موش بود که مشغول کارهای شگفت انگیز و آمیخته با شرارت بودند. وی این هنر عجیب وبی‌تکرار خود را در اینستاگرام با مضموم «همسرم از انجام دورکاری من متنفر است منتشر کرده است.»

با اینکه در مورد او زیاد نوشته می‌شود، اما همه چیز درباره او عجیب و ناشناس است. او در اوایل دهه ۱۹۹۰ کار دیوارنگاری را شروع کرد، حتی تجربه فیلمسازی دارد. سال ۲۰۱۰ او برای فیلم «خروج» کاندیدا شد اما طبیعتاً در مراسم حضور پیدا نکرد. حتی هدیه او به کادر درمانی که این روزها درگیر کرونا هستند هم باعث نشد او از چهره خود رونمایی کند. به گزارش سایت bristollive بنکسی به بیمارستان ساوتهمپتون تابلوی خود را هدیه داده است که ارزش آن بالای میلیون دلار است. نقاشی او کودکی در حال بازی است، این پسر بچه به جای بازی با مردعنکبوتی یا بتمن مشغول بازی با عروسک پرستاری است. او طی یادداشتی از کادردرمانی تشکر کرده است و اظهار امیدواری کرده که این کار روزنه امیدی برای کارمندان و بیماران در این شرایط دشوار به وجود آورد.

آگهی فراخوان عمومی

سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور
اداره کل زندان‌های استان تهران

اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان تهران تصمیم به برگزاری مناقصه و انتخاب پیمانکار جهت انجام عملیات به شرح ذیل در ندامتگاه تهران بزرگ واقع در کیلومتر ۵ جاده حسن‌آباد قم به چرمشهر ورامین را دارد:

۱ احداث ساختمان انبار البسه به وسعت ۲۰۰ متر مربع شامل کل عملیات اجرایی (ابنیه، سازه‌بتنی، تأسیسات مکانیکی و الکتریکی)

۲ **برآورد اولیه مطابق فهارس پیوست** (فهرست بها ابنیه، تأسیسات الکتریکی و مکانیکی پایه سال ۱۳۹۹)، مبلغ ۲۰ ، ۸۷۹ ، ۳۳۳ ، ۲۶ ریال با احتساب ضرایب بالاسری، منطقه، طبقات، تجهیز کارگاه و کسر کسورات قانونی می‌باشد.

۳ **مدت پروژه:** کلاشش (۶) ماه از زمان انعقاد قرارداد.

۴ **تضمین شرکت در مناقصه** ۰۰۰ ، ۰۰۰ ، ۳۳۷ ، ۱ ریال به صورت ضمانت‌نامه بانکی در وجه اداره کل زندان‌های استان تهران و یا واریز به حساب شبا IR۲۷۰۱۰۰۰۰۰۴۰۷۴۰۱۳۱۰۷۸۶۵۴۲۶ بنام تمرکز وجوه سپرده‌های اداره کل زندان‌های استان تهران در بانک مرکزی

۵ **تاریخ دریافت اسناد از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت** ۱۳۹۹/۰۳/۰۶ الی ۱۳۹۹/۰۳/۲۹ می‌باشد.

۶ **تاریخ ثبت پیشنهاد در سامانه** تا پایان ساعت کاری روز ۱۳۹۹/۰۳/۱۵ می‌باشد.

۷ **تاریخ تحویل فیزیکی پاکات الف و ب** تا پایان ساعت کاری روز ۱۳۹۹/۰۳/۲۷ می‌باشد.

۸ **تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه** ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳۹۹/۰۳/۱۸ می‌باشد.

۹ **آدرس تحویل اسناد:** تهران – سعادت‌آباد – ابتدای کوی فراز – دبیرخانه اداره کل زندان‌های استان تهران

لذا از کلیه شرکت‌های پیمانکاری توانمند که دارای رتبه‌بندی معتبر از معاونت و برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و مرتبط با موضوع پروژه (حداقل ۵ ابنیه) می‌باشند و گواهی‌نامه آنان تا پایان مدت قرارداد معتبر می‌باشد دعوت می‌گردد جهت دریافت اسناد مناقصه به سایت تجارت الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir مراجعه نمایند. بدیهی است درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی را برای اداره کل زندان‌های استان تهران ایجاد نمی‌نماید.

توضیحات:

۱ در اجرا بند ب تبصره ۵ قانون بودجه ۹۸ کل کشور، پرداخت‌ها در قالب اسناد خزانه با سررسید ۱۴۰۰/۰۵/۱۹ انجام خواهد شد و پروژه پیش‌پرداخت ندارد.

۲ نوع مناقصه یک مرحله‌ای، تاریخ نشر دو نوبت آگهی ۱۳۹۹/۰۲/۲۸ روزنامه ایران و ۱۳۹۹/۰۲/۳۱ روزنامه هفتصبح

۳ سایر اطلاعات در شرایط مناقصه درج می‌گردد.

اداره کل زندان‌های استان تهران

آگهی مناقصه عمومی
نوبت دوم
شماره ۹۹/۱۴/۱

دو مرحله‌ای

بانک رفاه کارگران در نظر دارد **اجرای زیرساخت و تجیز مرکز داده** واقع در شهر تهران را از طریق مناقصه عمومی به روش دو مرحله‌ای به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان شرکت در مناقصه در صورت ثبت و وجود نام شرکت در سیستم ساجار می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز **شنبه** مورخ **۹۹/۳/۳** با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی و یک فقره اصل فیش بانکی به **مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال** واریزی به حساب جاری **۵۰۰۰۱۴** به نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران (بدون استرداد) به آدرس تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز شمالی، خیابان حکیم اعظم، پلاک ۱۷، طبقه سوم، اداره مهندسی ساختمان مراجعه و اوراق مناقصه را دریافت نمایند. متقاضیان می‌بایستی اوراق و پاکات مناقصه را تا پایان وقت اداری روز **شنبه** مورخ **۹۹/۳/۲۴** تحویل اداره مهندسی ساختمان واحد گروه کارشناسی قراردادهای ساختمانی نموده و رسید دریافت نمایند. سپرده شرکت در مناقصه به میزان **۲۳،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال** (بیست و سه میلیارد ریال) می‌باشد که می‌بایستی به صورت واریز نقدی و یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر (غیر از بانک رفاه کارگران) ارائه گردد.

ضمناً پاکات «الف» و «ب» مناقصه در ساعت **۱۰ صبح** روز **دوشنبه** مورخ **۹۹/۳/۲۶** توسط اعضای کمیسیون معاملات در دفتر عضو هیأت مدیره محترم بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر (عج)، نرسیده به میدان ونک، پلاک ۲۵۸۴، طبقه چهارم مفتوح خواهد شد. اطلاعات تکمیلی در پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات کل کشور و یا با شماره تلفن ۸۴۸۵۲۷۲۳ تماس حاصل فرمایید.

بانک رفاه کارگران
اداره مهندسی ساختمان- گروه کارشناسی قراردادهای ساختمانی

آگهی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران
نوبت اول

شرکت ملی نفت ایران

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای خدمات اجرایی بیست و پنجمین نمایشگاه بین المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی به شماره ۱۲۷ - ۹۸ - ۸۴ - ۰۰۲

شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد خدمات اجرایی بیست و پنجمین نمایشگاه بین المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی را طبق شرایط و مدارک مربوطه از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به شرکت‌های ذیصلاح و واجد شرایط واگذار نماید. از متقاضیانی که دارای شرایط ذیل می‌باشند، درخواست می‌گردد از زمان چاپ آگهی نوبت دوم تا حداکثر هفت روز پس از درج آن جهت دریافت اسناد ارزیابی، تکمیل و عودت آن در مهلت تعیین شده از طریق وبگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir اقدام نمایند. لازم به ذکر است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، مراحل ثبت نام در سایت فوق و دریافت گواهی امضای الکترونیکی جهت شرکت در مناقصه و دریافت اسناد را به انجام رسانند.

- برآورد مناقصه ۰۰۰ ، ۰۰۰ ، ۰۶۵ ، ۷۹ ریال می‌باشد و شرکت‌کنندگان در مناقصه می بایست توانایی ارائه ضمانت‌نامه شرکت در فرایند ارجاع کار به مبلغ ۳،۵۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال را داشته باشند.
- **محل اجرای عملیات:** شرکت ملی نفت ایران – روابط عمومی
- **مدت اجرای عملیات:** یک سال شمسی می باشد.
- **مهلت دریافت استعلام ارزیابی کیفی مناقصه‌گران:** ۷ روز پس از چاپ دومین آگهی روزنامه
- **مهلت تحویل استعلام ارزیابی کیفی مناقصه‌گران:** ۱۴ روز پس از اتمام مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی
- ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده منتهی به سال ۱۳۹۷ / قرارداشتن در فهرست مورد تأیید سازمان توسعه و تجارت، منتشر شده در پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان یاد شده / گواهینامه تأیید صلاحیت ایمنی پیمانکاری معتبر صادر شده توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی الزامی می باشد.

همه آگهی‌های ستاد شرکت ملی نفت ایران در سایت www.nioc.ir قابل مشاهده است.

روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران – امور پیمان‌ها